طهران

جناب ابن شهید آقا میرزا عزیزالله خان علیه بهآء الله الأبهی

هواللّه

ای سلیل حضرت شهید عزیز عبدالبهآء نامهٴ ٢٩ ربیع‌الثّانی رسید و از تفاصیل اطّلاع حاصل گردید الحمد للّه بخدمت موفّقی و بعبودیّت آستان حضرت بهآءاللّه قائم و مؤیّدی و در نزد عبدالبهآء معزّز و مقرّبی پروردگار عالمیان محض فضل و احسان هیکل ایران را بخلعتی مفتخر فرموده و ایران را تاجی بر سر نهاده که جواهر زواهرش بر قرون و اعصار بتابد و آن ظهور این امر بدیعست زیرا هر امّتی و ملّتی که بنهایت انحطاط و اضمحلال مبتلا شد تا رستخیز عظمی نگردد برنخیزد مانند مریضی که مرض مزمن یابد بارهنگ و خاکشیر تأثیر نکند و خطمی و بنفشه دفع اندیشه ننماید طنظور خطائی خواهد و معجون الهی شاید تا هیجان عظیم در خون حاصل گردد و بحران کافی وافی نماید باید در تاریخ سلف تعمّق نمود مثلاً قوم عرب باسفل درکات انحطاط افتاد و بپستی و نیستی معتاد گشت و از علوّیّت هستی محروم گشت بتدابیر ترقّی و نشاط ممتنع و محال بود زیرا قوّهٴ تدبیر ابوذر فقیر را امیر نمیکرد و فکر و اندیشهٴ انسانی عمّار یاسر تمّار را کامرانی نمیداد افکار و آراء عقلا جزیرة العرب را باوج عزّت ابدیّه نمیرساند و قیاصره و اکاسره را مغلوب و مقهور آنقوم بیسر و پا نمینمود ولی قوّت معنویّه بمیان آمد نور نبوّت درخشید رستخیز عظیم حاصل گشت هیجان شدید در عروق و اعصاب ظاهر شد لهذا آنقوم بلید را در ایّامی عدید از اسفل درکات ذلّت باوج عزّت رساند ایران و توران مقهور شد و امپراطوری رومانی مخذول و منکوب گشت حال چنین امر عظیمی بقوّۀ تدبیر ممکن لا واللّه این قضیّه مثل آفتابست اکنون ایران نیز چنین است بعربده و های و هوی انقلابیّون و حسن تدبیر اعتدالیّون و کفایت و درایت سیاسیّون از این انحطاط نجات نیابد ولی ملاحظه خواهید کرد که بتأیید الهی ایران چنان فوران نماید که سیل جانبخشش اقالیم عالم را سبز و خرّم نماید ولی افسوس که ایرانیان از این موهبت کبری در نهایت غفلت و نسیان گوهری طفلی بقرصی نان دهد امّا مشیت الهیّه تعلّق یافته و قوّهٴ معنویّه در ایران نبعان نموده هذا امر محتوم و وعد غیر مکذوب بحضور فاضل معالیموفور اینقضیّه را عرض نمائید که با وجود اینهمه احزاب متخاصمه و آراء مختلفه و مفاسد خفیّه و جمعیّتهای سرّیّه معلومست که نتائج مفیده مستحیل است انسان باید بنیادی بنهد و بنیانی بنماید که ایوانش از کیوان بگذرد پس شخص دوراندیش تا تواند خدمتی بدیوان الهی کند تا بایوان رحمانی پی‌برد یعنی ایران را بیدار کند که بآنچه سبب استحکام بنیانست تشبّث نمایند و آبادی ابدی جویند و قوّتی در عروق و اعصاب مانند روح سریان نماید که در کمال سرعت ترقّی کند و بر سائر ملل تفوّق جوید ملاحظه نمائید که دو دولت استبداد بر قلع و قمع این آواره سالهای چند قیام نمود علی‌الخصوص عبدالحمید ولی اینعبد توکّل بر حقّ نمود و با تمام قوّت مقاومت کرد و استقامت نمود عاقبت ایوان وسیع آنان ویران شد ولی بنیان ضعیف اینعبد نمایان گشت آنان تاج و تخت را بباد دادند و با وجود دو کرور سپاه مغلوب و مقهور گشتند ولی اینعبد بی ناصر و معین فریداً وحیداً در حالت اسیری و بی‌مجیری مسجون در قلعهٴ عکّا بود با وجود این بحمد اللّه بقوّهٴ محبّت اللّه چنان فتوحی حاصل شد که در زیر زنجیر تسخیر کشور امریک گشت و در زندان تاریک و تنگ علم در ممالک فرنگ بلند شد حال اگرچه معلوم نیست ولی بانگ این دهل بامداد معلوم میشود حضرت رسول روحی له الفدآء وقتیکه در حرب خندق محصور احزاب بودند و بحفر خندق مشغول شدند سنگی گران پیدا شد و یاران نتوانستند از جای براندازند حضرت با عموم اصحاب حاضر شدند که آن سنگ را قلع و قمع فرمایند عصائی در دست مبارک بود در چنین حالت بر آن سنگ زدند فرمودند ممالک اکاسره فتح شد دوباره زدند فرمودند اقالیم قیاصره مسخّر گشت جمعی از منافقین که در آنجا همراه حضرت بودند گفتند سبحان‌اللّه این چه حرفیست ما محصور قبائل ضعیفهٴ عرب هستیم حتّی آب و گیاه از ما مقطوع و مخذول و منکوب این شخص فتوح ممالک اکاسره و قیاصره مینماید این چه حکایتیست و این چه روایت چندی نگذشت وقتیکه همان اشخاص عرب وارد ایوان کسری شدند گفتند هذا ما وعدنا اللّه و رسوله و صدق المرسلون حال ملاحظه نمائید که قوّت معنویّه چه میکند علی‌الخصوص تعالیم بهآءاللّه و اسرار این امر و اساس اینظهور منکر ندارد آفاق مانند ماهی لب‌تشنه است و تعالیم جمال مبارک آب روان نه حیفی و نه سیفی و نه تکفیری و نه تدمیری و نه تضییقی و نه تعرّضی و نه تکلّفی شمشیرش اعلان وحدت عالم انسانی تیغ جهانگیرش موهبت رحمانی قوّهٴ جندیّه‌اش محبّت اللّه قوانین و آئین سپاهش بیان معرفت اللّه سپهسالارش نور هدایت اللّه اصول و قوانینش محبّت و مهربانی با جمیع نوع انسانی بدرجه‌ئی که حتّی بیگانه آشناست اغیار یار دشمن دوست بدخواه خیرخواه و باین نظر رفتار میشود زیرا خطاب بعالم انسانی میفرماید یعنی جمیع ملل که همه بار یکدارید و برگ یکشاخسار ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۵ اوت ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۱۱ قبل از ظهر